

بیانیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در باره انتخابات مجلس هفتم

مردم ایران که دوم خرداد را آفریدند و با شور و حرارت در انتخابات مجلس ششم شرکت کردند، آشکارا دارند برای تحریم انتخابات مجلس هفتم آماده می شوند. چرا مردم قصد تحریم این انتخابات را دارند؟ آیا بخاطر آنکه برگزاری آن دمکراتیک نیست، احزاب سیاسی آزاد نیستند و جز طرفداران رژیم دینی حق تبلیغات و نامزد شدن ندارند؟ آیا بخاطر وجود شورای نگهبان و نظارت استصوابی است؟ این شرایط غیردمکراتیک و نظارت استصوابی، در دوم خرداد و در انتخابات مجلس ششم هم وجود داشتند. آیا قصد مردم از تحریم، تهدید جناح تمامیت خواه بخاطر رد صلاحیت نامزدهای اصلاح طلب و از جمله ۸۰ نماینده کنونی مجلس است؟ یعنی اگر شورای نگهبان با صلاحدید خامنه ای عقب نشینی کند، مردم باید از قصد تحریم برگردند؟ به فرض که اکثریت مجلس هفتم نیز به دست اصلاح طلبان بیفتد، مگر در مجلس ششم نیافتاده بود؟ چه توانستند بکنند که در مجلس هفتم هم بتوانند؟ مردم چه دلیلی دارند که آنان را به مجلس بفرستند؟ گفته میشود: اگر انتخابات تحریم شود، همه قدرت به دست تمامیت خواهان می افتد، پس باید به اصلاح طلبان رأی داد تا در برابر آنان بایستند. مگر در تمام دوره ریاست جمهوری و غلبه اصلاح طلبان در مجلس، تمام قدرت در دست تمامیت خواهان نبوده است؟ اگر اصلاح طلبان باید قوای مجریه و مقننه را در اختیار داشته باشند تا بتوانند در برابر تمامیت خواهان بایستند، پس چرا امروز در این موقعیت ذلت بار هستند؟

گفته می شود: تحریم انتخابات، خلاف تکلیف مدنی و شهروندی مردم، و شرکت در آن، تمرین دمکراسی و دفاع از حق مداخله گری مردم است. مجاب کردن مردم به این که رأی دادن در یک رژیم ضد دمکراسی، در یک انتخابات غیردمکراتیک به مهره های انتصابی حکومت تمرین دمکراسی است، دشوار است؛ از آن دشوارتر، بستن چشمان مردم براین حقیقت است که شرکت آنان در دو انتخابات اخیر ریاست جمهوری و مجلس ششم و شوراهاى اسلامى شهر و روستا، منشاء هیچ مداخله ای در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نبوده و اوضاع شان از هر جهت وخیم تر شده است. مردم در شش سال پس از دوم خرداد به تجربه دریافته اند که در این رژیم و از طریق شرکت در انتخابات و راه های قانونی نه تنها نمی توانند جناح مسلط رژیم را به تمکین و تسلیم مجبور سازند،

بلکه حتی اصلاح طلبان را هم نمی‌توانند به قاطعیت در برابر جناح مسلط و به تبعیت از خواست و اراده رأی دهندگان وادار کنند. تجربه این شش سال به مردم نشان داده است که اصلاح طلبان از به میدان آمدن و مداخله مستقیم رأی دهندگان شان، جهت تعیین تکلیف با استبداد سیاه دینی و دیکتاتوری سرمایه، بمراتب بیشتر می‌ترسند، تا از قلع و قمع شدن خودشان و شکست استراتژی «اصلاحات»شان به دست جناح فاشیست حکومت.

اگر در انتخابات دوم خرداد و مجلس ششم و نخستین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، قصد مردم از رأی دادن به اصلاح طلبان این بود که در پشت سپر آنان راه را بر فاشیسم مذهبی سد کنند، حالا به چشم خود می‌بینند که اصلاح طلبان، خود به سد پیشروی و اقدام مستقل مردم در برابر این فاشیسم مذهبی تبدیل شده‌اند.

بخاطر همه این تجربیات و آگاهی‌هاست که در انتخابات مجلس هفتم، مسئله مردم نه زد صلاحیت اصلاح طلبان توسط هیئت‌های نظارت و شورای نگهبان، بلکه، عدم صلاحیت اصلاح طلبان برای نمایندگی مردم است.

انتخابات دوم خرداد و مجلس ششم، توهم مردم به امکانات صلاحات در رژیم را در پیش رو داشتند، اما، دومین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و انتخابات مجلس هفتم، ریزش این توهم و آگاهی بر اصلاح ناپذیری رژیم را در پشت سر دارند.

موضوع تحریم انتخابات مجلس هفتم، دیگر دست زد زدن بر سینه جناح حاکم نیست، بر سینه هر دو جناح رژیم است. دست زد زدن بر سینه جناح مخالف اصلاحات نیست، بر سینه اصلاحات است؛ بر سینه تمامیت رژیم اصلاح ناپذیر جمهوری اسلامی است. و بهمین دلیل، تحریمی است بی قید و شرط، که به نحوه برخورد شورای نگهبان با اصلاح طلبان، به لیست نهائی تأیید شدگان، به نتایج زدو بندها و مصالحه‌های خاتمی و کروی با شورای نگهبان، و به ثمرات تحسن و «روزه سیاسی»ی محروم شدگان از تائید فاشیست‌ها و از آب و نان وکالت، وابسته نیست.

تحریم انتخابات مجلس هفتم توسط مردم، صرفاً یک «نه» به کلیت جمهوری اسلامی، صرفاً یک رفتارندوم نمادین علیه حکومت دینی، و صرفاً به نمایش گذاشتن عدم مشروعیت کلیت این رژیم و از جمله اصلاح طلبان و خاتمی در برابرجهانیان نیست؛ همه این‌ها است! اما این تحریم بی قید و شرط، حاصل آگاهی بر اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی، و در حکم پلی است برای عبور از جمهوری اسلامی. این تحریم، سرفصل گذار مردم از تقابل با واسطه با جناح حاکم رژیم اسلامی به چالش مستقیم، مستقل و رو در روی توده‌ای با کلیت حکومت است؛ و اقدامی است در جهت

تشدید بحران موجودیت جمهوری اسلامی .

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که از ابتدای موجودیت این رژیم ، عدم مشروعیت آن را اعلام کرده و برای قبولاندن آن به توده ها، به آگاهی حاصل از تجربه مردم اعتماد کرده است، اینک که آگاهی حاصل از تجربه توده های مردم را، معطوف به تحریم بی قید و شرط این انتخابات می بیند، قاطعانه از این تصمیم حمایت کرده و خواهان آن است که – علیرغم تلاش های هر دو جناح رژیم و استحاله طلبان داخل و خارج کشوری – مردم ایران نه با رأی سفید ، بلکه با هرچه خلوت تر کردن حوزه های رأی گیری ، عزم خود به خاک کردن جمهوری اسلامی ، و تدارک یک آلترناتیو دمکراتیک و برابری طلب از پائین را به جهانیان اعلام کنند .

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بیست و هشتم دی ماه ۱۳۸۲ برابر هجدهم ژانویه ۲۰۰۴